

جامی ادارہ کتبا

شعبہ پبلسٹیٹی و پرنٹنگ

ملک آفات و مکارا

بغداد

فون: ۱۳۳۵

بازار چاندی

کتاب نمبر ہفت ششم

# ملک آفات و مکارا

۱۳۳۵

بارخ مجہد ۲۴ ذی الحجہ الحرام ۱۳۳۵

تخصیص اجرت

خصوصی باؤ فراڈ ادارہ

مکاتیب دون مضامین

و عنوان پذیر فرستادہ

و چارٹرڈ پبلشرز

قیمت اشراک

بجائے ۵۰ دان

این روز نامہ فقط گاہبان حقوق ایرانیان و متور انکار اسلامیان است

## مدیر مسئول حسین کیمانی

### اخیر حضرت اینگر

بقیہ از شمارہ قبل

آیا مہاجرین ماک صالح ترین فرزندان خلف ایرانیہ  
قدرت پیدا کردہ کہ بی رحمت اختیار بہ بار خود دعوت  
نمایند؟

آیا دشمنان ایران و دین طبع را از تصرف خانہ موروثی مکنند؟  
آیا امتیازات خانہ بر انداز قدیم و جدید را الفا کرید؟

آیا فاسین ایران فرودش را بمجازات رسانید؟  
یا ارتقا در تہ و ترفیع مقام آنها را بعد از خیانتی  
صریحہ جلوگیری نمودید؟

آیا منبع تشکیل مجلس جنوب کہ مقدمہ عبودیت  
است قادر شدید؟  
آیا مدراء اصلاح مملکت قدمی برداشتید؟ یا اظلا

بقدر ذرہ از خرابیہای فعلیہ کہ روز بروز در تیرا  
جلوگیری نمودید؟  
آیا جنوب را از طغیان فرمانروا و ہم مسلکان او

متخلص نمودید؟ آیا موفق بودای یک خیالی کہ مقصود  
اصلاح مختصری در مملکت باشد گشتند؟

آیا قدرت پیدا کردید کہ یک نفوذ حاکم وطن پرست  
فعال از مثال غیر است سلطنہ را بحکومت کلی از نقاط  
ایران اغوام نمایند؟

آیا جزئی معاوضتی در مقابل ادنی تجاؤ را جانب نمودید؟  
عجبا با استبدادی اجاب، با دسیسہ کاری و نیت

غیر حسنہ انگلیسها، با بقای قشون روس، با تسکیلا  
پس جنوب با اطلات صریحہ ہمایگان با بی بری

اوضاع، با گسترگی رسنہ اشظام امور، با ختمال  
دو ژریمینہ، با فلاتهای طاریہ، با فقدان ہر چیز،

بالجملہ با ہمہ بد بختیهای تحمل فرستائی کہ نزدیک است  
عوامل مجادیتہ نیز حس کرده و متاثر شوند این بگاہ  
قوہ قلبہ را کہ در طرف بیت و ہشت ماہ قیام خود  
نی آنکہ از ہیچ سمتی معاوضتی دیدہ، با مساعدتی شاہدہ  
کند با فرض برای دولت ایران تہمت نماید با ہزاران

مشکلات و مخاطر آنکه ذکر هر یک را کتبی مفصل ضرورت است و اکنون نقطه نظرشان اصلاح ایران رفع تعذی همایگان، صیانت تاج و تخت کیان و حفاظت مدفن نیاکان و انجام آخرین درجات و وظایف ایرانت است متفرق میجوید هنوز از وزراء و حکام گرفته تا ادنی مامورین جزو ادارات رسمی ایران باید بیل و اواده یا خواش دوستانه دیگران تعیین شود هنوز یک اداره صحیح العمل با یک حکم تاجلاحت برای دادرسی مظلومینی که سالهاست دیده نمی پر از است حسرت فقط افتتاح آن تمدن تاسیس نشده، هنوز ناصر الملک برای بازگشت ایران فردوسی بقوت دولت انگلیس با وضوح احتیاجات اسف آور دولت و غربت بی باانش با بیانه مبلغ کلی میگیرد هنوز فرمانروا و به قطارانش در قطعه جنوب در مقابل او امر دولت ایران مقاومت کرده و خودش را هر یک شیونانی دولت انگلیس مانند یک دولت مستقل دانسته احکام مرکز را بهیچوجه قابل اعتنا نمیداند هنوز نتواند آید یکی از هزاران در دمی ظاهری و باطنی را در کار نماید با این کیفیت با این فلاکت و با این ترتیب باید افراد خاستس ایرانیه هم مثل سایرین خواب غفلت رفته یاور زاویه خموشی خرید و بکتره ملکات در تحت استیلا و تصرف دشمن در آید.

دولت که دارای قدرت نیست متقدنین و صاحب ثروتان ملکات و متشخصین مصنوعی و بزرگان دروغی که وظیفه دیانت خود را نوکری اجانب دانسته و کارکنان اجنبی مانند ملت که برای بطنی و جهالت یافتن اخلاق

تجدید سرگردند از نظام و قشون منظم که مثل سیرغ و کیمیا فقط همی مانده بدون رسم، قیام عمومی با انقلاب ملی که از اثرات حسن مرشاد وطن پرستان با حسن ظاهر میشود غیر نافع است، در ولتین باقی نظامیان همایه و استیلای آنها غیر مناسب، ترور که بدست سبب خرابی ملکات است، مجازات خائنین و بدکاران برای حمایت جانب و غیر متعدد، تسکینات قشونی و نظیبات تالیف و تصحیح ادارات را که دیگران نمیکند دارند، برنی خجالت صریح بگویند ایران باید تقسیم دشمن شود، ایرانی باید حیات استقلالی خود را در داغ گوید، ایرانی باید از شرافت محروم باشد، ایرانی باید سرگردان تر و پریشان تر از یهودیان قدیم باشد، ایرانی باید خرابار کش با احتمال غیر گردد.

عجب حسی، عجب حمیتی عجب عمری جای حیرت است که چگونه کنیزان و ارامی شاعر که بقدر خردلی بتواند ادراک حسن و قبح نماید بچنین ایرادات و عخوانات پیرویه اقدام میکند.

جنگلیها چه میگویند جنگلیها چه میخواهند : جنگلیها میگویند ایران مال ایرانی است دست اغیار باید از استیلای باین ملکات بکلی قطع شود جنگلیها میگویند ایرانیان باید در خانه خود بدون تجاوزه و اذیت همایگان بر احوال مشغول اصلاح باشند جنگلیها میگویند باید تاج و تخت قدیم را از منقشات شاه حریت پرور سلطان احمد شاه بوده و این سلطان جوان بخت و ارامی سلطوت و ائمت شهریاران بزرگ عمر باشد جنگلیها میگویند منت حاضره دولت که از فعال

زین و محبوب ترین رجال ایران محب شده اند  
در دوره زمام داری خود نه تنها خرابیهای ادوار  
سخن و کابینه های سنگین قبل را باید مرتت نماید  
بلکه سعادت و رفاهیت آئینه این ملت را هم باید  
تأمین کنند.

جنگلیها میگویند: امروز که بهترین موانع دولت  
و استفاده است ملت ایران با یک قیام عمومی  
و جنبش ملی مقام شرافتی و بنای استقلالی خود را  
موضوعی مثبت نموده و جنگیم آن نحوی موفق شوند  
که بعد با جهانی برای تجاوزه متجاوزین باقی نماند.

جنگلیها میگویند: دیانت حقه محمدیه را باید از  
تعرض انگلیس و همقطارانیش که تحریک بنیاد است  
را با دستور (کلارستون) غایت مقصودشان  
قرار داده اند محفوظ نمود.

جنگلیها میگویند: بیست محبوب دولت  
در یک چنین موقع مساعدی چرا موفق نبخشید اصلا  
نده یا یکی از ادنی ترین فائضی را که در ادارات  
رسمی دولتی مستخدمند خارج و مفصل نمودند.

جنگلیها میگویند: چرا بیست دولت موانع  
خود را بیست اخطار نمیکند.

جنگلیها میگویند: پای تخت ایران که مبدع آن  
یک و بدینگو کاران و بد که داران است نظیر فائض  
و نامن ستمکاران شده از هر نقطه بعد از ارتکاب  
جنایات کثیره متوجه مرکز گردیده و نه تنها تطهیر شوند  
بلکه با رفاه رتبه و مقام نائل میگرددند.

جنگلیها میگویند: باید فائضین بمجازات برسد  
جنگلیها میگویند حکام و مباحثین صریح العمل  
با تقیض و مراقبت کامل و مجازات نیک و بد

بایالات و ولایات اغرام شوند  
جنگلیها میگویند: باید در دای بیدران مملکت دولت  
شود جنگلیها میگویند: قسطنطنیه اجانب بدست  
نموده زیاده بر این مردم ایران از وجود آنها چاره  
رحمت و اذیت نباشند.

جنگلیها میگویند که زحمات دوازده ساله ادوار  
ایرانی و آنهمه فداکاریهای جوان مردان ایران نباید  
بیش از این بی نتیجه بماند و دیانت اسلامی و دولت  
قدیم ایران باز بچرخد دست مشتاقان و اوطابیدین شور  
بالجمله جنگلیها میگویند: باید با موفق با اصلاحات  
داخلی و رفع موانع خارجی شد با جان بر سر این  
آرزو که است جنگلی از اینگونه مقررات و مصلحت  
فائضین و لاسر و نخواهد شد جنگلی همچنانکه در سال  
هزار بید و بیست رحمت با فداکاری عبور از  
آذربایجان قیام نموده با خست تمام (در لیبون) و  
انجام انقلاب و قطع ریشه استبداد و عاوه  
مشروطیت موفق گردید در این دوره هم تنها با  
و مقصودشان اینست که بیعت مهاجرین گران  
قیمت ایران و فدائیان جنوب و رسم عالیته جزو  
ایرانی و پشتیبانی افکار جماعت با خراج اجانب و  
اصلاحات مملکتی موفقیت پیدا نماید جنگلی ترمودیم  
اطاعت شاهانه حریت پرورد بیست دولت را  
و نب لا یغفر میزند.

جنگلیها میگویند: باید با موفق با اصلاحات  
داخلی و رفع موانع خارجی شد با جان بر سر این  
آرزو که است جنگلی از اینگونه مقررات و مصلحت  
فائضین و لاسر و نخواهد شد جنگلی همچنانکه در سال  
هزار بید و بیست رحمت با فداکاری عبور از  
آذربایجان قیام نموده با خست تمام (در لیبون) و  
انجام انقلاب و قطع ریشه استبداد و عاوه  
مشروطیت موفق گردید در این دوره هم تنها با  
و مقصودشان اینست که بیعت مهاجرین گران  
قیمت ایران و فدائیان جنوب و رسم عالیته جزو  
ایرانی و پشتیبانی افکار جماعت با خراج اجانب و  
اصلاحات مملکتی موفقیت پیدا نماید جنگلی ترمودیم  
اطاعت شاهانه حریت پرورد بیست دولت را  
و نب لا یغفر میزند.

جنگلیها میگویند: بیست محبوب دولت  
در یک چنین موقع مساعدی چرا موفق نبخشید اصلا  
نده یا یکی از ادنی ترین فائضی را که در ادارات  
رسمی دولتی مستخدمند خارج و مفصل نمودند.

جنگلیها میگویند: چرا بیست دولت موانع  
خود را بیست اخطار نمیکند.

جنگلیها میگویند: پای تخت ایران که مبدع آن  
یک و بدینگو کاران و بد که داران است نظیر فائض  
و نامن ستمکاران شده از هر نقطه بعد از ارتکاب  
جنایات کثیره متوجه مرکز گردیده و نه تنها تطهیر شوند  
بلکه با رفاه رتبه و مقام نائل میگرددند.

جنگلیها میگویند: باید فائضین بمجازات برسد  
جنگلیها میگویند حکام و مباحثین صریح العمل  
با تقیض و مراقبت کامل و مجازات نیک و بد

قیام جنگلی با مسلح شدن جنگلیها، فداکاری  
جنگلیها، فقط برای تقویت دولت و حفظ مملکت  
است جنگلی اسلحه واقعی از خود دور میکنند که  
مطمئن باشد افراد ایرانی از تقاضای معذرتان خارج  
و ستمکاران داخله حاضر اینست و از بعد رفاهیت گردید

بالاخره آمال غلبی جنگلیها مرام واقعی جنگلیها، مقاصد حقیقی جنگلیها. استعاج شورای ملی استحکام مبانی مسرود است استقلال مملکت، راحت ملت، محو ظلم و استبداد قلع و قمع ریشه تعدی و خیانت، مصونیت وطن از تعرض دشمنان است.

جنگلی غیر از این مقصودی نداشته و سواى این سوادى در سر نهارد گواه صدق این مدعا عملیات بیت وشت آنجا که در نظر عموم بوضوح آفتاب است.

جنگلیها تا با زوایى شروع خود که اجمالاً ذکرش ناملى نموند مجال است از پايى بنشیند یاد چاره رفاهت دستى گردند به گو و بد بین بچشم منور

بگوید باکی نیست :  
بگویشش توان در حله را پیش است  
نشاید زبان بداند پیش نیست

ما انصاف منصفین و احساس مردمان حاسر ا مدرک قرار میدهم لزوم تحریر بعضی مقالات نافه بار از ذکر واقعات قیام جنگلیهای گیلان از آغاز تا با مروره شرح مصائب و صدایر که در این شد با یک ثبات جرات آدمی تحمل نمودند عجالتاً باز داشته قطع بگذریم از مرام و آمال و نیات حسن آنها در این شماره آنگاه که در دو دفرات بعد بعینت خنده ندى اختصاصاً تا به پنجه زحمت تحمل دند آنگاه بر موی آگایى عموم خواهم مذکور داشت از کابینه حاضر که مورد وطنیان و محل توجه عامه است انتظار داریم در هر چه دره در بنصالت و جرات و مقاومت با مشکلات که اجانب خصوصاً دولت مظلوم ایران انگیز عادت نمود. و بنشیند شروع با اصلاحات

و سه طرف تجاوزات بیگانگان کرده و ظایف عمده یک کابینه فعال و من پرست را انجام دهند عقل دستى ملاحظه یاجین، رفاهت باآل اندیشی اسباب یاس ملت تجویزى فائین دین و دولت استعاده کامل دشمنان وطن خواهد شد.

در ختم مقاله بهایگان جنایه آزار خصوصاً دولت حق کش انگلیس و انجمنین بوجدانی را که مزدور کارگر آنها هستند متذکر مسافه با یک صدائی است که در فضای کره منعکس کرده و میگوئیم ایران مال ایرانی است حال است خدا و طبیعت بگذارد تجاوزه و تعدی متحد با

نمجاود مستقر و درایم گردد.  
چنانکه فلاسفه گفته اند :  
مقال و صاحبانشان در روز و بالند

از مکاتیب وارده

آقای مدیر معروف است در حق کویچ حکم نذاره شایخ خرم نیار و بط نور وجود و نظم بزم شهود برای تکمیل طاعت و معرفت است الطاعه فرغ و اصلها الشرح و بهترین طریق حصول باین مقصد است از شریعت اسلام است که رواج آن بقوت با زوی جهاد است از به و خلفت آدم الی زبان قیام الحاقیم علیهم سلام الله ابراهیم احکام دین بیزحمت مجاهد شاه نیفا و مخصوصاً در اجراء احکام اسلام رونق بازار مجاهدت افزون گشت در محمود سلف قائم بر موی با صابت تیر، عاود مسالت اسبابی دیگر و حاجت جهاد سیف کتر بود در دوره نغم الخلف عروا حیدری وحدت ضرب ذوالفقار باندک موجی هستی فوجی غرق نمود تا اوراق جاہلیت بخرن بشنند

گردید و دین حق ظاهر و زان بر شریف آریستند  
 فَاذْكُرْنِيذِكْرًا لِّذِكْرِ النَّبِ اعْزَابًا لِّتَفِيءَ دِينُ  
 الْمُصْطَفَى الْعَرَبِ اِنَّهُ دِينُ صَلَواتِ اللّٰهِ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ  
 سَلَامٌ سِرِّبْرَهٗ عَمَّتْ نَبَا دِي كِي كَشْتَهٗ دِي تَوَاشُدِي  
 خَشْتَهٗ ز سِرِّجَا كَرِي دِي وَا حِدَا بَعْدَهٗ وَا حِدَا جَانِ سِرِّفَعَهٗ دِي  
 و قَا يَهٗ دِي نِ حَيْفِ نَمُوْدَهٗ تَا حَجَّتْ بَقَا مِ اَقَا مَتِ كَرَفْتِ  
 حَكْمَتِ حِجْمَتِ بِلَا حِظَهٗ اَكْمَهٗ نَقْدَهٗ مَرُوْدِي اَنْ بَرِي حَكْمَتِ اَنْجَا نِ  
 بَرُوْدِ مَعْقِنِي شَدَهٗ كِهٖ چِهْرَهٗ مِضَا يِ اَمَانَتِ مَرِظَرَهٗ سُرُوْدِي  
 غَيْبَتِ نَهْفَهٗ كَرُوْدِ و بَعْدَهٗ اَز اِيْنِ دَر مَرُوْدِرَهٗ كِهٖ دِي  
 تَعْرِضِ بِي كُوْدَهٗ اِسْلَامِ كَشُوْدَهٗ شَدِي تَعِجِبَا كِهٖ اَرْزَنِي كِ  
 وَا نِ كَرَفْتَهٗ كَرِي دِي و رَكْفِ مَرُوْدِي كَا رَا بَرِي وَا يَهٗ  
 كِهٖ جِهَادَتِ بَرِي مِي اَنْ بَسْتَهٗ و دَر مِ قَابِلِ و سَمْنِ شَسْتَهٗ  
 مَاسِ وَا رِي اَنْ مَلِكِ و دِي نِ شَدِي شَسْتَهٗ سَمْنِ بَرِي اَز  
 مِي لَنَدَهٗ خَلَا صَا تَا نِجَامِ مِي رِي سَامِ دَر اِيْنِ عَصْرِ كِهٖ خَلَا صَا  
 اَشْفَهٗ اَرْزُوَارِ و نَوَا بِ و مَر شَدَهٗ و قَدْرَتِ اَرْكَا رَفْتَهٗ  
 لَكِهٖ كَرُوْدِ اَرْ سِرْفِ اِحَا طَهٗ نَمُوْدَهٗ بِحَكْمِ فَا نِظَرِ اِلَى اَمَّا  
 رَحْمَهٗ اللّٰهِ كَيْفِ تَحِي اَلْاَرْضِ بَعْدَ مَوْتِهَا هَيْتِ مَحْمُرَهٗ نِي اَيَّاهِ  
 اِسْلَامِ كِي لِي اَنْ صَا نَهَا اللّٰهُ عَنِ الْهَدْيَانِ هَيْتِ عَالِيَهٗ  
 خُوْدِ بَسْمَتِي تَنْ مَرُوْدِ وَا و نَدِ و بَغِيْرَتِ سَرِنَهَا و نَدِ و بِي  
 وَا رِي و حِفَا ظَتِ اَز حُوْزَهٗ اِسْلَامِي اَرْ خُوْرِ مَعْنِي  
 نَمُوْدَهٗ اِنْدَهٗ

اگر تمومین رشت و حوالی کوفته زانی را که در باطن  
 باسم عیسی و شک موسی زبان میکنند فقط در همین کمال  
 بخلاف عادت پوشیده خود رفتار کرده قیمت  
 آن را در یک محلی جمع کنند یک بانک کوکلی  
 که دارای دو بیت و پنجاه هزار تومان است تکمیل  
 خواهد شد، با عدم بیضاخت و فقدان بستن است  
 حکم قائل این مقاله را حواله بسلبین حوزه محترم بن  
 اتحاد اسلام نمود.

لَقَدْ ذُكِرَ الْاِسْلَامُ الْاَلْفِيْنَةَ قَلِيْلًا مِّنْ اَيَّامِنِ  
 الَّذِيْ سُوْلَا مَهٗ تَكَلَّمُ رَا عِ و تَكَلَّمُ مَسْئُوْلِ  
 اِمْرَا كِي نَرِ مَسْلَمَانِ

جنگل

هیئت محترم اتحاد اسلام که تمام عملیات خود را  
 بر طبق قانون مقدس اسلام مجری داشته و در این  
 البته در این خصوص مطابق وظیفه و یاری خود رفتار  
 نموده از مساعدی که برای دین و دولت تبتیه  
 شود جلو گیری خواست کرد.

اوسا

انوی زاکان زود ویریندشید بجا گتارم  
 شیمی بجا بیاید آجان بشو خام ستر  
 بعد از قلیان خمار خوابه خنگلین مبره بشه  
 ملک سلیمان طرف صمصام در ضرغام سر  
 اشان اسنه و بشه انگلیس احوال پرسی  
 پلیس جنوب و مانع چاقی کلاچ شویم دایم  
 اوی انگلیس اوی انگلیس تی جانک نک این  
 کنس خماق بهی میکیره دوی تی بام سر  
 تی خوج خورش زیم تی گاز گابیل فکنیم

سزاوار است در خود رشت که مرکز گیلان است  
 طبعه بر اسلام زده شود و اجراء احکام و قواعد اسلام  
 از عادت پوشیده بشمار آید.  
 شهانته ملاحظه یک نواز از شماره هشتم جریده  
 بطلول در امر روز چنان پریشانم داشت که خطرات را  
 از حد ادب خارج شده و در مقام جارت برآید  
 و عیناً در این صفحه درج کردم (ایامیل واریه بدید)

تر بدو هم بشی انام ورسیم سز  
 تو چو اگلی آنا چره توپ و تفنگ سیان نیم  
 تی کشتن تی سوختن چو کله داریم قیام سز  
 ابی قوم وانه بزار المان خدا پدشت  
 خلع سلاح کب بزه و هفت پیش کلام سز  
 روز یک وقاپاس با تو قرقر کن و کنس حاق  
 دشمنان ایران ره وقت نامار و شام سز  
 شمی جان نامم بشید زو بشید دو گیرید  
 انرا محالست نه مهید سیروس و برام سز  
 خرم جواب حاضر کنید گاده و ریم و  
 عیش و خسر و و ایران بر زمام سز  
 آب بواب خاک بوز خاک باجه او دوده پاک  
 ای خدا جان مدد کن جان پی امام سز

### فصلنامه‌های سیاست

بقیه از شماره دهم

احتیاج همه وقت مولد حرکات و تجددات شده و  
 میشود فضیلت‌های سیاست جرات هستند از اوصاف  
 عالی و روح منویات و امور ترقی .  
 البته اوصاف و سجایای آریسته بهتر از هزار جور دانش  
 بی روح و جرات موثر و نتیجه بخش است .  
 (گوستاو پوتون ، مصنف مشهور فرانسوی میگوید  
 سچیست که افراد و اقوام را اداره میکند نه سوتیه .  
 (بنتارک) آن مجتهد همیش سیاسی در حجه دی  
 بجز کتاب که یکی انجیل بود دیگری مذمت  
 از برای پیشرفت آنها نیکه لازم است بیشتر از هر چیز  
 پر قوه و یک عزم با حرات لزوم دارد  
 فضیلت سیاست مراسم و آداب دیپلماتیست

فقط روح کار است بی نیم که ام دست قدرت این بار  
 ز خردار و پریشان مار ازنده خواهد کرد .  
 نه کنگشهای داخلی و نه تهدیدات خارجی هم گذرد  
 اصلاحات موافق حقیقی نبوده و نخواهد بود .  
 اصل موافق را در ضعف روحی ما باید جست . این  
 وطن پیش از همه ذی قدرت محتاج است .  
 تا کنون ترقی را بگذریم بار و اح اینقدر تبدلات و تغییر  
 کوشش زیاد از آن مانده اند سرعت زوال و خرابی  
 مملکت که با یک روش تندی میروند مانع شوند .  
 ولی ما نا امید نیستیم و قائل بر این هستیم که نور بهیوی  
 و پیروفتی خیلی نزدیک است و در چند ماه بر داریم  
 کتاب آمد - امید

### از مقالات آورده

برای فقر چه تدبیری کرده اند  
 اصل برای نقصان زراعتی فحلی بر راهتید مملکت  
 میکند قشون همایگان هم سر بار زحمت مانند آن  
 مقدار آذوقه که باید صرف الهی شود این همانان ما  
 تصرف کرده و بنا میکنند .  
 از داخل ایران متصل مرد و زن و اطفال برهنه و  
 گرسنه وارد گیلان شده و میشوند الان در شهر قصب  
 و قرا گیلان با حال انسانی زندگی کرده و این  
 منظره رقت آور دل هر سنگدلی را کباب میکند  
 آیا با این حال گیلان که نصف حاصل زراعتی را  
 اش برای قلب آب سوخته چه تدبیری برای خود فقرا  
 غریب بچاره خواهند اندیشید ؟  
 بعقیده ما الهی گیلان باید بهوزیت دور و دور  
 کند اولاً برنج گیلان باید صرف گیلان و داخل

ایران گردیده و شنیده شد که بقاچاق و محرمانه برنج  
 بخارجه حمل می شود مراقبت و جلوگیری نمایند تا نیا  
 در مجالس روضه ماه محرم و صفر و سایر اوقات  
 صرف چائی را متروک نمایند زیرا قصد عمده که تحصیل  
 ثواب و استماع ذکر مصیبت است مقصود صرف  
 چائی و تنقلات نیست قیمت قند و چائی را کمی  
 بهر مقداری که مصرف میگرد برای فقراء و  
 بچارگانى که از شدت گرسنگی و فشار پریشانی خان  
 و زندگانی را ترک گفته در سرگذرها و راهها بیدار  
 عالی زندگانی میکنند مصروف داشته که خدا و  
 رسول و حضرت سیدالشهدا و سایر ائمه اطهار  
 علیهم السلام در این اقدام خیر و احسان نفوس مسلمانان  
 و تهنیت راحت آنان خوشود خواهند بود بهتر از همه  
 این است که بنیت مقدس اتحاد اسلام در این  
 باب اقدام عاجلی کرده کیستونی مرکب از اشخاص  
 امین در رشت و نقاط دیگر تشکیل و وجوه قند و چا  
 را جمع آوری نموده مرتباً خرج فقراء و غرباء نمایند  
 اگر بفرمایند ترتیب رفتار شود و مطالب را بلا قید و  
 تلقی کنند و دولت این جمعیت گرسنه و پریشان  
 تلف شده و همه گیسوانها مسؤول و معاقب و چهار  
 مجازات و عقوبت خداوندی خوانند شد.

بیانات با تغییر دیگر نشود مجالس روضه برای  
 تحصیل ثواب و از یاد اجرا فروری و حفظ شعار  
 و نیت تا باید منعقد شود فقط منظور مازک قند و  
 چائی و صرف قیمت آن برای فقراء و مسکین است.

جنگل

بنیت مقدس اتحاد اسلام و امانی گیلان یقیناً  
 در این مهیاد مشروع که متضمن صلاح دین و دنیا

و حفظ نفوس کثیره آواره از خانمان است عطف  
 توجه کامل خواهند نمود.

احبار شهری

از رشت می نویسند بی ترتیبی اوضاع برای خندان  
 حکومت یکطرف گرانی ارزاق و مشا به حالت  
 اسفناک مردمانیکه از شدت گرسنگی و تعدیات  
 نظامیان غیر بگیلان آمده اند پیش از همه  
 چیز سبب تاتف گردیده چو خ نام اداره  
 از کارماند دولت هم عطف توجهی بگیلان  
 ندارد از طرفی در سه چهار نقطه شهر تمارخانه  
 باسم معاشخانه یا کلوب تاسیس شده که  
 حقیقتاً یک کمک بزرگی برای افلاس اهالی  
 مملکت است بقیه هستی مردم با کمی عطف  
 و جهالتی در آن جاها از زمین میرو و بدتر از همه  
 افعال میزرا ابراهیم خان معاون و مدستان  
 اوست بعلاوه اینکه نظم شهر را مختل کرده  
 سهل است چند نفر صاحب منصبان و ظیفه  
 شناس را که در موقع استامی آنان را ذکر  
 میکنیم از اجزای وظایفشان باز داشته باشند  
 بریشانی با بقدری است که این مختصر را بگنجایش  
 آن نیست وظیفه بنیت اتحاد اسلام است  
 که سر بکار دولت تقاضای اصلاح امور است  
 گیلان را نموده بگذارند که رشته انتظام امر  
 گیلان هم در این موقع باریک مثل سایر  
 ولایات ایران بکلی گسخته شود. انشاء محفوظ  
 جنگل سه کمر در دولت با ضمانت اوضاع گیلان توجه کرده  
 بدینجهان تاکنون اثری نشده مطمئیم که با اوضاع حالیه خانه  
 داده برای اصلاح ادارات گیلان اقدام عاجلی نمایند

چرخد بر مد

آفتد تعادوت

ملق های حضرت اقدس و لاشا هزاره فرمانروا  
و دانت فارس.

فعالت حضرت اشرف و ثوق الدوله در کف کشته  
مجازات.

اقدامات حضرت اشرف سپهسالار عظیم در اصلاح  
امران ما با یک آیه درخشان نزدیک میکند  
ضرورت داشت که حضرت در آنفر ما با رحمت  
نطق از خود معرنی فرمایند خدات ایشان و هم  
حسایگان ایشان را در تکمیل طمس جنوب کسینا  
مخلط مالیه و اعتبار تحدید و غیره را تا شرح موقوف  
خواهد شد.

خوشتر آن باشد که سر دبران

گفته آید در حدیث دیگران

بی عقل خودتی

ک بکه نسبت استقلال طلبی را بجنگلی باید نمود این  
نسبت صحیح مقصودی ندارد مگر آنکه میخواهد عدم تعقلی  
پریمی جنگلی با ثابت کرده باشند.

زیرا تقویاسی کرد در نفوس ایرانی دکم و زیادش بعد از  
ترقیب احصایه معلوم خواهد شد) برای حفظ استقلال  
خودشان متخیرند آنوقت جنگلی با وجود همسایگان  
همین که ابد اطمینان بایران ندارند تنهایی کیلان را  
مستقل خواهند کرد و آدم عاقل که هیچ کاری اقدام میکند  
چون خود را بیعقل نمیدانیم ناچار مؤذبان و عوض میگیریم  
بی عقل خودتی.

فعلیت

توزیر لکن معمر است شنبه که در جریده جنگل میزند قول را

فصل لازم است برای اثبات صورت خودت فعلیتی  
نشان دهد لهذا با بیاع و تشبیهن خودشان امروز بودند  
کمانی السابق امسال هم در پرداخت مالیات با میوه  
دولت ایران کلاه حاشا ایسر بگذارند.

از طهران

آژانس پیاده

پیش نهادت حضرت اشرف حاج معاذ الدوله و محاسن

۱- ایالت جلیله - خود حضرت اشرف (با اختیارات آتیه)

۲- نایب الایاله (ایبادهون) مخاطب السلطان (حاج ششم فرزند)

۳- کارگذار - میرزا ابو خان غلشی (نسل داریوش)

۴- رئیس تنگلات - جناب مستر سوادگرگ (با امانت)

۵- رئیس عدلیه - آقای حاج حسین الممالک (مقبول قاضی)

۶- رئیس تأییدات و نقوش - میرزا محمود خان (در سپه)

۷- قونول - جناب نکرانف (مجتهد و مکرانی)

۸- مستشار - (مذمت کند روح مقام الملک را) و سایر

حرکت قائم مقام الملک شریف را ده باید بویست بعضی افزاینیم

۹- رئیس حفظ الصحو - دکتر ابراهیم خان اچای السلطنه

(با صافی عقیده است)

۱۰- حجت امنیت شهر و نوابج - چند دست از طمس جنوب  
صیغه تران شمال.

در صورت فرام آیدن این اشخاص آنوقت دارالرز

می شود و ادوی طور با تنظیمات طمس تازه تربیت شده

دولت فخره انگلیس به نور علی نور عزیزین

باشد استغنا میدهم مقصود خدمت بدولت است

کیلان نباشد خراسان، اصفهان، شیراز

کرمان بهین ترتیب بر جا را قبول دارم و البته

هم پول دارم هم کفایت.